

یادداشت

نگاهی به پیامدهای توقیف اموال



حامدخانچانی

در نقد رویه توقیف اموال به اتهام «ارتباط با دشمن» و هزینه‌کرد آن برای بازسازی اماکن جنگی، باید گفت که هر کشوری حق دفاع از امنیت ملی خود را دارد و برخورد با همکاری با دشمن خارجی امری قانونی و ضروری است، اما پرسش اینجاست که آیا این رویکرد طریق مناسبی برای بازسازی خسارت‌های جنگ است و منجر به کاهش ناراضیاتی‌های اجتماعی و مشکلات اقتصادی می‌شود یا آنها را تشدید می‌کند؟ تجربه سال‌های اخیر نشان داده است که اتکای صرف به راهکارهای امنیتی و قضائی، هرچند در مواردی لازم و بجاست، نمی‌تواند جایگزین اصلاحات ساختاری در عرصه حکمرانی، اقتصاد و عدالت شود.

در جامعه ایران، یکی از چالش‌های اساسی، فاصله میان دولت و جامعه است، این فاصله زمانی بیشتر می‌شود که مردم احساس کنند مشکلات معیشتی، تورم، بیکاری و نابرابری، ریشه در تصمیم‌گیری‌های نادرست یا فسادهای سیستمی دارد، اما پاسخ تنها به «دشمن خارجی» نسبت داده می‌شود. بی‌تردید نقش دشمنان خارجی در ایجاد بحران‌های امنیتی و اقتصادی انکارناپذیر است، ام‌ا نادیده‌گرفتن ناکارآمدی‌های داخلی، از جمله ضعف در شفافیت، تداوم رانت‌خواری، نبود رقابت سالم اقتصادی و تضعیف سرمایه اجتماعی نه تنها مشکلی را حل نمی‌کند، بلکه اعتماد عمومی را بیش از پیش فرسوده می‌کند. رویه توقیف اموال بدون محاکمه علنی و شفاف، حتی با هدف تأمین منابع برای بازسازی اماکن آسیب‌دیده، این خطر را به همراه دارد که فضای سرمایه‌گذاری و کسب‌وکار را با عدم اطمینان روبه‌رو کند. فعالان اقتصادی، کارآفرینان و حتی صاحبان سرمایه‌های خرد، هنگامی که امنیت مالکیت خود را تضمین شده نبینند، تمایل پیدا می‌کنند سرمایه و حتی خانواده خود را به خارج از کشور منتقل کنند. این پدیده که در سال‌های اخیر با سرعت چشمگیری افزایش یافته، نتیجه مستقیم نبود ثبات و پیش‌بینی‌ناپذیری محیط کسب‌وکار است. به عبارت روشن‌تر، هرچه چنین روش‌هایی مورد تأکید بیشتر باشد، خروج سرمایه و نخپگان شتاب بیشتری می‌گیرد و این خود به تشدید رکود، فقر و ناراضیاتی می‌انجامد.

امروز بسیاری از کارشناسان معتقدند راه برون‌رفت از چالش‌های کنونی، نه در تشدید رویکردهای امنیتی محض، بلکه در بازتعریف رابطه حکمرانی با شهروندان است. این بازتعریف شامل شفافیت در درایی‌های مسئولان، مبارزه بی‌طرفانه با فساد در همه سطوح، اصلاح نظام بانکی برای کنترل تورم و فراهم‌کردن فضای نقد منصفانه و قانون‌مند است. در چنین فضایی، مردم می‌بینند که مشکلات جدی گرفته می‌شود و راهکارها واقعی است.

طبیعی است که هیچ حاکمیتی از نفوذ دشمن غافل نیست و نباید باشد. اما اگر همواره انتقاد داخلی و اعتراض اجتماعی به «همکاری با دشمن» تعبیر شود، صدای حقیقی جامعه خاموش می‌شود و در خفا، ناراضیاتی شکل‌های خطرناک‌تری پیدا می‌کند. رهبر معظم انقلاب نیز بارها بر لزوم «نقد منصفانه»، «اصلاح ساختارها» و «اعتمادآفرینی» تأکید کرده‌اند؛ بنابراین نقد این رویه در واقع دعوت به بازگشت به همان اصول است: برخورد قاطع با خائنان واقعی به همراه اصلاحات ساختاری در حکمرانی اقتصادی و قضائی، تا مردم با چشم خود ببینند که صرف اتهام و توقیف، جایگزین عدالت و کارآمدی نمی‌شود.

فراموش نکنیم که سرمایه اصلی هر کشوری اعتماد مردم به نهادهای خود است. کشمیر برای پیشرفت، نیازمند ترکیبی از امنیت، عدالت و آزادی‌های قانون‌مند است.



مرحوم استاد حبیب‌نقاش در کارگاه نقاشی. فرسنگهان ۱۳۸۶

وقتی جنگ رخ می‌دهد، پنجره‌ها و شیشه‌ها آسیب‌پذیرتر شده، گاهی شکسته، چسب خورده و خطرناک‌تر می‌شوند و در کانون توجه قرار می‌گیرند. حالا تصور کنید هنرمندی در پشت پنجره‌های این شهر برسه می‌زند، می‌اندیشد و به قلب‌ها، شیشه‌ها و دل‌های شکسته هم‌وطنانش می‌اندیشد. این هنرمند می‌تواند هرکدام از ما باشد. حالا که بحث شیشه و آینه به میان آمد، ممکن است این پرسش مطرح شود که این دو چه ارتباطی با نقاشی و این جنگ دارند؟ این موضوع از منظرهای متفاوت جامعه‌شناسی، نشانه‌شناسی، اسطوره‌شناسی، هنری، اجتماعی و اخلاقی قابل بررسی و تحلیل است.

هنرمندان به‌عنوان عضوی از خانواده بزرگ ایران، احساس مسئولیت می‌کنند و نسبت به سرنوشته کشور بی‌تفاوت نیستند. نقاشی که به قاب شکسته‌شده تابلوی نقاشی منزل خود می‌نگرد و استادکاری که شکسته‌شدن آینه‌کاری‌ها، آرسی‌ها و آثار فرهنگی و هنری موزه‌ها را از قاب تصاویر رسانه‌ها مشاهده می‌کند، متوجه این نکته کلیدی و اساسی هست که این موضوع فقط آسیب‌خوردن به یک اثر هنری نیست، این جنایت در راستای همان نبرد تمدنی است که از تخریب زیرساخت‌ها و همه عناصر توسعه دریغ ندارد. در قاموس این هیولای مدرن، فرهنگ، نمادها، بنیان‌های هویت‌ساز و هر آنچه تمدن ایرانی را ساخته است، به هیچ انگاشته می‌شود و اهمیتی ندارد.

از طرفی، مضامین مذهبی و اسطوره‌ای، سوزهای اصلی نقاشی پشت شیشه محسوب می‌شوند؛ بنابراین هنرمند با معاصرسازی این مضامین، احساس خودش را از این جنگ به تصویر می‌کشد. دلیل دیگر ارتباط این دو موضوع، آن است که نقاشی پشت شیشه، حرفه و پیشه خانوادگی و آبا و اجدادی جناب بهزاد نقاش است و آثاری که در زمان جنگ خلق کرده‌اند، در ادامه همان سنت خانوادگی و پیشه پدری‌شان است.

مسئله مهم دیگری که در این روزهای سخت بیشتر خودش را نشان می‌دهد، «وطن» است. وطن پاره تن ایرانیان است و قدرت مغناطیس و جذابیتش بر کسی پوشیده نیست. ایران، خانه و موطن همه ماست. هیچ‌کس و هیچ‌کشر و صنفی نباید نسبت به وطنش بی‌تفاوت باشد؛ به‌خصوص زمانی که دشمن به صراحت از نابودی تمدن ما حرف می‌زند و ایران اسلامی در تَب‌وتاب جنگ می‌سوزد، درنگ بی‌معناست. هنرمند باشی یا نظامی، پیر باشی یا جوان، فرقی ندارد؛ هویت ملی ما از خشت‌خشت هزاران رنگ این مرز و بوم تشکیل شده است. از این منظر، هنرمندان در جنگ ۲۰روزه سوم با خلق آثار هنری، بی‌تفاوت نبوده و نقش بسزایی در وحدت ملی ایفا کرده‌اند. زبان، بیان و روش‌های هر هنرمند متفاوت بوده و هر هنرمندی از زاویه خاصی به این جنگ پرداخته است. یکی از سوزهایی که مکرر در تاریخ هنر ایران تکرار شده، مضامین پهلوانی و اسطوره‌ای است. نقاشی پشت شیشه ایران، بی‌شک یکی از مهم‌ترین ارکان هنرهای تصویری ماست که در آن هویت شیعی با عناصر شاهنامه‌ای و پهلوانی درهم آمیخته‌اند. تصویرسازی و شمایلم‌نگاری در این

هنر مطابق سنت‌های گذشته و بر مبنای روایت‌های شفاهی، نقالی، پرده‌خوانی یا منابع مکتوب مثل شاهنامه‌ها و مقتل‌ها بوده است. در نقاشی‌های پشت شیشه یک نوع

ساده‌سازی دیده می‌شود. دلیل این کار مربوط به تکنیک و شیوه این نوع نقاشی است؛ زیرا هنرمند طرح را باید به‌صورت معکوس طراحی و سپس رنگ‌آمیزی کند، بنابراین جزئیات در نقاشی لحاظ نمی‌شوند.

یکی از پشت‌وانه‌های مهم جنگ، برخورداری از حمایت‌های مردمی است. اتفاقا این‌گونه هنری، وجهی مردمی و از این حیث حالتی خودجوش دارد؛ زیرا مومما سفارش‌زدندگان، صاحبان قهوه‌خانه‌ها یا تکیه‌ها و زور‌خانه‌ها بوده‌اند. در واقع بسترزایش، تولید و مصرف این‌هنر در بطن جامعه بوده، بنابراین ارتباط تلگاتکی با مردم کوچه و بازار داشته است. این‌ یعنی حضور قهرمانان و پهلوانان در جامعه و هم‌زیستی آنها با هم موجب قوت قلب و انسجام اجتماعی و هویتی بوده است. اگر سردر دروازه‌های قدیم را با نقش‌مایه‌های اسطوره‌ای کاشی‌نگاری می‌کردند، این به‌منزله قدرت حاکمه، حفاظت، امنیت و داشتن پشتوانه هویتی و تاریخی برای عموم جامعه محسوب می‌شده است.

استناد آثار تاریخی باقی‌مانده نشان می‌دهد در دوره‌های تاریخی که ایران مورد هجوم دشمن قرار گرفته، مثل حمله سلجوقیان، مغول‌ها یا ازبک‌ها. هنرمندان و جامعه گرایش بیشتری به اسطوره‌ها و نقش‌مایه‌های هویت‌بخش ملی نشان داده‌اند و با آگاهی و انریختنی این‌گونه نقوش، از این‌المان‌ها و عناصر استفاده کرده‌اند. نقاشی، کاشی‌نگاری و سفالینه‌های این دوره‌ها مملو از نقش‌مایه‌های تاریخی ایران‌زمین مثل «سیرمغ»، «شیر» یا «شخصیت‌های شاهنامه از قبیل رستم» بوده است. در واقع اسطوره و پهلوانان تاریخی در بزنگاه‌ها و در سختی و جنگ‌ها به صورت نمادین و سمبلیک به مدد ایران آمده‌اند و ستون فرهنگ، هویت و وحدت ایرانیان را تشکیل داده‌اند. یکی از نوحه‌های مذهبی پربسامد اخیر، مرکز نقلش چنین بی‌تی است: «تو رستم تهمتتی، بزن که خوب می‌زنی/ تو شیر پیل افکنی، بزن که خوب می‌زنی». اینجا رستم کلیدواژه وحدت و امنیت ایرانیان و شیر نماد قدرت است که مستقیم وارد کارزار نبرد فرهنگی شده است. اتفاقا کارکرد اسطوره‌های زنده برای همین روزهای سخت و جنگی است. به گفته خانم سلحشور، مجموعه‌دار نقاشی پشت شیشه، «در رهگذر دوران‌ها، هنر ایرانی قالب عوض کرد، ولی

جنگ و نقاشی پشت شیشه

با نگاهی به آثار بهزاد نقاش

مهدی مکی‌نژاد

عضوهیت‌علمی فرهنگستان هنر

محتوا و مفهوم معنوی خاطره‌های قومی آن زنده ماند و مضامین خود را در قالب‌های نو احیا و اصالت و تداوم خاطره را حفظ کرد. در هنر سنتی عنصر تکرار و تداوم همواره وجود داشته و این نشانه وفاداری ایرانیان به خاطره ازلی است که از برجسته‌ترین خصوصیات آنان و عامل ماندگاری این قوم در هجوم‌های بنیان‌کن تاریخی بوده است» (سلحشور، ۱۳۷۰، ص۹).

بهزاد نقاش و آثارش

استاد بهزاد نقاش را به واسطه پدر هنرمندشان می‌شناسم. در سال ۱۳۸۶ به میمنت بزرگداشت هنرمندان بومی و سنتی، از ایشان در همایش گنجینه‌های ازبدرفته هنر ایران تجلیل به عمل آمد و به مدت ۲۰ روز کارگاه نقاشی پشت شیشه بر گزار کردند. استاد حبیب نقاش، بوم شیشه برایش مثل موم بود و درکی عمیق از نقاشی قهوه‌خانه‌ای و نقاشی پشت شیشه داشت. در خلال این برنامه با پسر ایشان نیز آشنا شدم. البته شغل اصلی ایشان پرستاری بوده است، اما به صورت غریزی و آموزش‌های خانوادگی به نقاشی پرداخته‌اند. گاهی در همان فضای بیمارستان و اتاق عمل با بتادین و مواد بازپافتی روی کاغذهای گد‌دستی نقاشی می‌کردند (احتمالا برای اولین بار چنین نقاشی‌هایی اجرا شده‌اند). در یازده‌ای از اوقات دیگر، به‌خصوص هم‌اکنون که بازنشسته هستند، در منزل‌شان به نقاشی می‌پردازند. گویا نقاشی در این خاندان موروثی است و پنج نسل بی‌دری از ملا

ابراهیم نقاش، ملا اسدالله، حبیب، بهزاد و تا برادرش امیر به این حرفه پرداخته و مشغول هستند. به قول استاد حاج مصورالملکی اصفهانی «به‌جای خون، دررگ‌هایشان رنگ جاری است».

بهزاد نقاش متولد ۱۳۴۳ است و در زمان بازنشستگی اهتمام بیشتری به نقاشی دارند. تاکنون در جشنواره‌ها و نمایشگاه‌های مختلفی در داخل و خارج ایران شرکت داشته و جوایز بین‌المللی دریافت کرده‌اند. سبک و سیاق این هنرمند ادامه سنت‌های تصویری پدر و اجداد گذشته است. نقاشی پشت شیشه سهل و ممتنع است. در نگاه اول ساده به نظر می‌رسد، اما در نگاه دوم عمیق است. ریشه در باورها و اعتقادات و فرهنگ مردم این سرزمین دارد. موضوعات نقاشی از شخصیت‌های مذهبی، اسطوره‌ای و تاریخی انتخاب می‌شوند و در قالب‌ها و الگوهای تجسمی مخصوص به خود که حالتی تخت و مبتدی (native) دارد، جامنایی می‌شوند. این طیف هنرمندان با ممارست و کمک از ضمیر باطنی و خلاقانه خودشان به راحتی نقاشی می‌کنند. یک مشخصه بارزشان این است که در قید ساخت و پرداخت ظریف و دقیق شمایلاها نیستند

شوق



و نقاشی‌هایشان حالت تخت و غیرجسمانی دارند. آثار خلق‌شده بهزاد نقاش نیز در همین گونه جای می‌گیرند و از این قاعده مستثنا نیستند. البته این هنرمند خلاقانه مواد و متزیال و حتی بومش را نیز دانما تغییر می‌دهد و معتقد است هرکدام از این مجموعه‌هایی که خلق کرده است، دارای حس و حال مخصوص به خودشان هستند و تحت تأثیر این عناصر و زمانه قرار گرفته‌اند.

در ادامه و تکمیل مجموعه‌های «نقاشی پشت شیشه»، «نقاشی در اتاق عمل»، «مجموعه نقاشی روی آجر»، «مجموعه هفت‌خان»، این بار به سراغ موضوع جنگ سوم (رمضان) رفتند و مجموعه‌ای تحت عنوان «نقاشی جنگ سوم» به تصویر کشیدند. مشخصهٔ مجعوری این مجموعه، «رستم داستان، قهرمان ملی و اسطوره‌ای ایران است»، وقتی سوزه ثابت است، هنرمند در تنگنای فرم و محتوا بیشتر است؛ ازاین‌رو باید با سیالیت ذهن و قدرت پردازش فکری، از موضوع واحد، خروجی‌های متعدد و متنکری بگیرد. در این آثار، دال مرکزی رستم است؛ اما هر تابلو بیان متفاوتی دارد. رستم در یک جا دو طرف تنگه هرمز را مهار می‌کند، در جای دیگری ازدهای F35 را به بند می‌کشد و در یک اثر، از شور و شعف نابودی ادوات و هواوندره‌های آمریکایی در اصفهان که به طیس ۲ شهرت یافت، به وجد می‌آید و خنده قهرمانانه‌ای سر می‌دهد. در این تابلوها رستم مثل یک سرباز و یک پهلوان از سرزمین ایران دفاع می‌کند. با دیو و دشمن می‌جنگد و داستان همیشگی نبرد خیر و شر را تداعی می‌کند. فردوسی در هزار سال پیش شخصیتی خلق کردند که نامبراست و در هر دوره‌ای، نظام نشانه‌ای متفاوتی بروز می‌دهد. به همین دلیل، «شاهنامه فردوسی یکی از اسطوره‌م‌زن‌های فرهنگی است که از بستر نشانه‌ای نخستین خود خارج می‌شود و در حوزه‌های گوناگون معرفتی و هنری حضور می‌یابد» (نامورمطلق، ۱۳۹۰، ص۹).

نقاشی‌های مجموعه جنگ، با آب مرکب و به صورت تکر رنگ سیاه و خاکستری هستند که برای جذابیت و اثربخشی بیشتر تجسمی و معنایی، مقدار اندکی رنگ طلائی در آنها به کار برده‌اند. فضای خاکستری آثار بیان‌کننده و منعکس‌دهنده تلخی و حال‌وهوای این جنگ است. در حاشیه همه آثار، جایی برای حروف‌نگاری‌های تورترو و رمزگونه اختصاص داده‌اند. این حاشیه‌نویسی‌ها اشارات مستقیم و غیرمستقیم به جنگ رمضان دارند تا مخاطب درگیر لایه‌های چندگانه اثر شود.

در بیانی کلی می‌توان خصوصیات این آثار را دارای زبان ساده تجسمی و نوعی‌فی‌البداهگی دانست که عموم هنرمندان و نقاشان قهوه‌خانه‌ای از آن بهره برده‌اند. فارغ از کم و کیف هنری آثار، تعهد، دلستگی و نگرانی هنرمند نسبت به وطن و کشورش بسیار حائز اهمیت است و باید این‌گونه مجموعه‌ها را جمع‌آوری، آرشیو و در حافظه جمعی ملت ایران برای امانت به نسل‌های بعدی حفظ و حراست کرد تا آیندگان بدانند و بفهمند معنا و مفهوم فرهنگ و هنر و نسبت‌شان با وطن چه بوده است.

جهاندار، پیروزگر یار باد/ سر بخت دشمن نگوئسار باد

آگهی قانون تعیین تکلیف اراضی وساختمانهای فاقد سند رسمی شهرستان خرم آباد-سری (۱,۲۲۴) جمعی

نظر به دستور مواد ۱ و ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی ،املاک متقاضیانی که در هیات موضوع ماده یک قانون مذکور مستقر در واحد ثبتی خرم آباد مورد رسیدگی و تصرفات مالکانه و بلا معارض آنان محرز و رای لازم صادر گردیده جهت اطلاع عموم به شرح ذیل در دو نوبت آگهی می‌گردد. در صورتی که هرکس نسبت به صدور سند مالکیت بنام متقاضیان اعتراض داشته باشد می تواند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را کتبا به اداره ثبت اسناد واملاک محل تسلیم وپس از اخذ رسید ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خودرا به مراجع محترم قضایی تقدیم وگواهی تقدیم دادخواست را به اداره ثبت محل تحویل نماید، در صورتی که اعتراض در مهلت قانونی واصل نگردد یا معترض گواهی تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل ارائه نکند اداره ثبت مبادرت به صدور سند مالکیت می‌نماید و صدور سند مالکیت مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نیست. تاریخ انتشار نوبت اول : (۱۴۰۵،۰۲،۲۱) نوبت دوم: (۱۴۰۵،۰۲،۰۵)

نام روزنامه : شوق

۱- تقاضای «مدرسه بلال حبشی سراب داربر بیرانشهر» فرزند « » نسبت به «شش‌دانگ یکباب ساختمان آموزشی» بمساحت «۶۲۹،۲۸» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۵۸» فرعی از «۱۱۹» اصلی واقع در بخش «۵» خروجی از مالکیت مالک اولیه «سردار و زکی سپهپوند»

۲- تقاضای «مدرسه فتح المبیین قلعه رحیم بیرانشهر» فرزند « » نسبت به «شش‌دانگ یکباب ساختمان آموزشی» بمساحت «۱۴۶۱،۵۴» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۴۱» فرعی از «۲۶» اصلی واقع در بخش «۵» خروجی از مالکیت مالک اولیه «نشاله (ناصر) اسدیان فیلی»

۳- تقاضای «مدرسه شهید تاج الدین فرهادی دره بسر بیرانشهر» فرزند « » نسبت به «شش‌دانگ یکباب ساختمان» بمساحت «۵۰۰،۹۳» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۱۷» فرعی از «۲۵» اصلی واقع در بخش «۵» خروجی از مالکیت مالک اولیه «صادق خان اسدیان»

۴- تقاضای «مدرسه شهید حجت اله بیرانوند قلعه قنبر بیرانشهر» فرزند « » نسبت به «شش‌دانگ یکباب ساختمان» بمساحت «۱۵۱،۷۸» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۱۵» فرعی از «۵۵» اصلی واقع در بخش «۵» خروجی از مالکیت مالک اولیه «خداکرم بیرانوند»

۵- تقاضای «موزش پرورش منطقه بیرانوند» فرزند « » نسبت به «شش‌دانگ یکباب ساختمان» بمساحت «۵۰۱،۶۴» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۲۴» فرعی از «۸۹» اصلی واقع در بخش «۵» خروجی از مالکیت مالک اولیه «سوار آقا سواری پور»

۶- تقاضای «مدرسه شهید حسن شمس بیرانوند سیل نظر بیرانشهر» فرزند « » نسبت به «شش‌دانگ یکباب ساختمان آموزشی» بمساحت «۹۹،۴۳» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۱۲۰» فرعی از «۱۷» اصلی واقع در بخش «۵» خروجی از مالکیت مالک اولیه «رحیم پای»

۷- تقاضای «موزش پرورش منطقه بیرانوند» فرزند « » نسبت به «شش‌دانگ یکباب ساختمان آثار تاریخی» بمساحت «۴۰۱،۴۳» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۲۵» فرعی از «۴۰» اصلی واقع در بخش «۵» خروجی از مالکیت مالک اولیه «علی نظر مردانی»

۸- تقاضای «مدرسه امام رضا کشوره رود بیرانشهر» فرزند « » نسبت به «شش‌دانگ یکباب ساختمان» بمساحت «۱۵۲،۰۱» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۴۸» فرعی از «۱۱۰» اصلی واقع در بخش «۵» خروجی از مالکیت مالک اولیه «عباس الماسی»

۹- تقاضای «آقای حسین دهقان نژاد» فرزند «تجات» نسبت به «۰،۵ دانگ مشاع از شش‌دانگ زمین مزروعی» و «خانم فاطمه دهقان نژاد» فرزند «تجات» نسبت به «۰،۲۵ دانگ مشاع از شش‌دانگ زمین مزروعی »و «خانم زهرا نقی» فرزند «شیرعلی» نسبت به «۰،۲۵ دانگ مشاع از شش‌دانگ زمین مزروعی »و «آقای محمد دهقان نژاد» فرزند «تجات» نسبت به «۰،۵ دانگ مشاع از شش‌دانگ زمین مزروعی »بمساحت «۸۲۰۷،۲۸» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۳۸۲» فرعی از «۱۲» اصلی واقع در بخش «۵» خروجی از مالکیت مالک اولیه «شیخ حیدر دهقان نژاد»

۱۰- تقاضای «آقای احد شایسته» فرزند «فاسم» نسبت به «سه دانگ مشاع از شش‌دانگ زمین مزروعی»و «خانم فاطمه حیدر نجفی» فرزند «پهرام» نسبت به «سه دانگ مشاع از شش‌دانگ زمین مزروعی » بمساحت «۳۶۰۳،۸۷» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۱۷۷۱» فرعی از «۲۲» اصلی واقع در بخش «۲» خروجی از مالکیت مالک اولیه «خود متقاضی»

شناسه : ۲۱۶۲۹۱۳

فرشاد بازوندی نژاد – رییس اداره ثبت اسناد و املاک خرم آباد ۱۰۸۴

فرشاد بازوندی نژاد

رییس اداره ثبت اسناد و املاک خرم آباد ۱۰۸۳